

گزارش

در جلسه شورای شهر تهران چه گذست؟

تهران زیر سایه بحران ایمنی و ترافیک

شرق: در سیدصوفهتقادودومین جلسه شورای شهر تهران، اعضا با ارائه تذکراتی درباره ایمنی بازار، تصادفات مرگ‌بار، ورود بی ضابطه موتورسیکلت‌ها، بحران آب و سوءمدیریت درآمد محلات، خواستار اقدام فوری مدیریت شهری شدند.
این جلسه همچنین شاهد تصویب یک‌فوریت انتشار ۲۹ هزار میلیارد تومان اوراق مالی اسلامی، تصویب طرح جامع فضای سبز و اصلاح فرایند صدور پروانه‌های ساختمانی بود.
در این جلسه مهدی بابایی، رئیس کمیته ایمنی شورای شهر تهران، در تذکر پیش از دستور جلسه به وضعیت ایمنی بازار تهران اشاره کرد؛ مدتی است جلسات ایمنی بازار در استانداری برگزار نمی‌شود، درحالی‌که برنامه اقدام مشترک دولت و شهرداری تدوین شده و وظایف دستگاه‌های مختلف مشخص است.
او افزود: ستاد بحران شهر تهران وظیفه پیگیری موضوعات را به شهرداری محول کرده، اما استانداری به عنوان دستگاه متولی می تواند دستورات لازم را به سازمان‌های مرتبط ابلاغ کند تا روند کار سرعت بگیرد. اکنون نه تنها پیشرفت کند است، بلکه جلسات مرتبط نیز برگزار نمی‌شود. بابایی از استاندار خواست جلسات ایمنی بازار به صورت مستمر تشکیل شود و دستگاه‌ها به طور جدی مورد مطالبه قرار گیرند تا مصوبات برنامه اقدام مشترک دولت و شهرداری به نتیجه برسد.

مرک روزانه ۳ فقر در تصادفات تهران

در ادامه جعفر تشکرهای هاشمی، رئیس کمیسیون عمران و حمل‌ونقل شورا، با اشاره به افزایش نگران‌کننده تصادفات گفت: برنامه شهرداری کاهش پنج‌درصدی تلفات سالانه بود، اما تهران روزانه سه قربانی حوادث رانندگی می‌دهد. او به حادثه در خط ویژه بزرگراه چمران اشاره کرد: یک نفر فوت و چند نفر مجروح شدند. هفته گذشته نیز کارگران خدمات شهری در بزرگراه جان خود را از دست دادند و در ماه‌های اخیر حوادث مشابه در بزرگراه‌های یاسینی، امام علی، خاوران و حکیم ثبت شده است. تشکرهای هاشمی با ارائه آمار هفت ماه اول سال جاری گفت: فوت‌شدگان نسبت به سال گذشته ۴۷ درصد افزایش داشته و از ۳۵۳ نفر به ۵۱۷ نفر رسیده است؛ شامل ۱۶۲ عابر، ۲۰۴ موتورسوار و ۶۰ راننده و سرنشین خودرو. او همچنین از کاهش کارایی ابزارهای کنترل سرعت انتقاد کرد و افزود تنها دو درصد دوربین‌ها فعال بودند که به تازگی به ۹۵ دوربین افزایش یافته‌اند، اما هنوز فاصله زیادی با وضعیت مطلوب وجود دارد.

ضعف مدیریت خطوط ویژه و موتورسیکلت‌ها

مهدی چمران، رئیس شورای شهر، با اشاره به ورود بی‌ضابطه موتورسیکلت‌ها به خطوط ویژه گفت: این خطوط عملاً به مسیر عبور موتورسیکلت‌ها تبدیل شده و پلیس باید فوراً ورود کند. او از ضعف اجرای طرح‌های ترافیکی و عدم طراحی سازوکار مشخص برای مدیریت موتورسیکلت‌ها انتقاد کرد و خواست تکمیل شبکه دوربین‌ها و سامانه‌های نظارتی به اولویت فوری شهرداری تبدیل شود. همچنین بر آموزش و فرهنگ‌سازی رانندگی از کودکی تأکید کرد تا بی‌نظمی‌ها کاهش یابد.

بحران آب و تهدید فضای سبز

رئیس پیرهای، رئیس کمیسیون محیط زیست شورا، نسبت به خشک‌سالی و تهدید فضای سبز هشدار داد و خواستار سیاست‌گذاری فوری شد؛ کشور در مرز بحران کم‌آبی قرار دارد و بارش‌ها کاهش بی‌سابقه‌ای داشته‌اند. نباید اجازه داد درختان صدساله تهران آب و زیر کمبود آب خشک شوند. او همچنین از تخصیص بیش از ۱۰ هزار میلیارد تومان برای تکمیل تصفیه‌خانه‌ها و شبکه آبیاری هوشمند خبر داد و اصلاح مصرف آب در بخش کشاورزی را ضروری دانست.

شفافیت مالی در محلات

ناصر اماني، عضو شورا هم با اشاره به دستورالعمل انتخاب و وظایف مدیران محله، به برداشت غیرقانونی از درآمد محلات انتقاد کرد: برخی مناطق مبالغی از درآمد محلات را بدون مجوز قانونی برای فعالیت‌های دیگر هزینه می‌کنند که این امر مدیران محله را در معرض مسئولیت قانونی قرار می‌دهد. او تأکید کرد که رعایت دستورالعمل قانونی ۱۶ ماه پس از ابلاغ هنوز ناقص است و شورا ناچار به پیگیری قانونی تخلفات خواهد شد. در این جلسه شورای شهر تهران همچنین یک‌فوریت لایحه شهرداری برای انتشار اوراق مالی اسلامی، تمدید تخفیف ۲۰ درصدی عوارض ساختمانی، تصویب طرح جامع فضای سبز و بررسی اصلاح فرایند صدور پروانه‌های ساختمانی را مورد بررسی قرار داد. محسن هرمزی، معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهرداری تهران، در این جلسه در تشریح لایحه گفت: از مجموع ۲۹ هزار میلیارد تومان اوراق درخواستی، ۲۶ هزار میلیارد تومان به صورت اوراق مشارکت ۵-۲۰ برای توسعه خطوط مترو و نوسازی ناوگان اتوبوسرانی و مابقی به صورت اوراق مالی اسلامی ۳۰-۷۰ برای توسعه زیرساخت‌های شبکه اتوبوسرانی در نظر گرفته شده است. سال گذشته تنها هفت هزار میلیارد تومان تخصیص یافت، اما اسامال با رازبانی‌های انجام‌شده، امیدواریم کل مبلغ محقق شود. یک‌فوریت این لایحه با حداکثر آرای موافق تصویب شد و بررسی جزئیات و تصویب نهایی آن به مراحل بعد موکول شد.

تداوم تخفیف ۲۰ درصدی عوارض ساختمانی

در ادامه صحن شورا، حبیب کاشانی، خزانه‌دار شورا، با اشاره به کاهش تدریجی تخفیف عوارض ساختمانی از آبان، هشدار داد که این روند فشار مالی بر مردم ایجاد می‌کند و پیشنهاد کرد تخفیف ۲۰ درصدی تا پایان سال حفظ شود. رئیس شورا، مهدی چمران، ضمن تأکید بر بررسی همه جوانب، گفت: «هر تصمیمی اتخاذ شود، شورا پشت آن خواهد ایستاد».

تصویب یک‌فوریت طرح جامع فضای سبز تهران

در این جلسه مهدی پیرهای، رئیس کمیسیون سلامت، محیط زیست و خدمات شهری، از تدوین رسمی و برای نخستین‌بار طرح جامع فضای سبز تهران خبر داد. این طرح شامل ضوابط فنی، چارچوب مدیریتی، پهنه‌بندی، گونه‌های گیاهی، بوستان‌ها، باغات شهری، شاخص‌های دسترسی و برنامه راهبردی توسعه پایدار فضای سبز است. یک‌فوریت این لایحه با ۱۵ رای موافق تصویب شد و پس از تصویب نهایی، برش‌های اجرایی آن در سطح مناطق و نواحی تهران عملیاتی خواهد شد. در ادامه جلسه، نامه اعتراض فرمانداری تهران درباره مصوبه بازنگری صدور پروانه و گواهی‌های ساختمانی بررسی شد. مهدی عباسی، رئیس کمیسیون شهرسازی، توضیح داد: اصلاحیه‌ها شامل تشکیل کارگروه مشترک امور مهندسان ساختمانی، اتصال سامانه شهرسازی به درگاه ملی مجوزها و حذف استعلامات درون‌سازمانی از طریق لایه مکانی سه‌بعدی است. اصلاحات با اتفاق آرا تصویب شد و مقرر شد پیگیری‌ها برای رفع ابهامات و تسهیل خدمات به شهروندان ادامه یابد.

بررسی گزارش حسابرسی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

گزارش حسابرسی سال ۱۴۰۳ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران قرائت شد و وضعیت مالی، بیمه‌ای، مالکیت دارایی‌ها، بدهی‌ها و ناوگان فعال بررسی شد. حسابرס رسمی، گزارش را مقبول اعلام کرد، اما تأکید کرد که زبان اباشته بیش از ۱۱۲ برابر سرمایه ثبت‌شده و شرکت مشمول ماده ۱۴۱ قانون تجارت است. رئیس شورا، مهدی چمران، بر تسریع تشکیل هیئت‌مدیره و عقد قرارداد سریع با اتوبوس‌ساز داخلی تأکید کرد. مدیرعامل شرکت واحد نیز از بازسازی ناوگان و قراردادهای داخلی خرید سه هزار و ۵۰۰ دستگاه اتوبوس خبر داد. در ادامه صحن گزارش حسابرسی شرکت نوسازی اراضی عباس‌آباد برای سال مالی منتهی به اسفند ۱۴۰۳ «مطلوب» اعلام شد و شش تکلیف الزام‌آور به شرکت ابلاغ شد. خزانه‌دار شورا، حبیب کاشانی، خواستار تعیین تکلیف اسناد مالکیت، پیگیری دعاوی حقوقی، ساماندهی اسناد و تعیین تکلیف مالیات عملکرد شد. مدیرعامل شرکت، سیدمحمدحسین حجازی، با تأکید بر رفع تمامی ابهامات و تکالیف، توضیح داد که اقدامات قانونی و ساختاری برای شفاف‌سازی سهامداری و راه‌اندازی پروژه‌های مشترک مانند «پارک هنر دیجیتال» در حال انجام است.

روایتی از شهری که میان جمع آوری و بازتوانی سرگردان مانده است

اعتیاد در دور باطل

شرق: این روزها هم‌زمان با سردشدن هوای پایتخت، بار دیگر چهره واقعی فقر و اعتیاد در کوچه‌پس‌کوچه‌های تهران آشکار شده است. گفته می‌شود هزاران نفر از افراد دارای اعتیاد از مراکز ماده ۱۶ ترخیص شده‌اند، اما پرسش اصلی همچنان پابرجاست: چرا این چرخه تکرار می‌شود؟ چرا با وجود همه تلاش‌ها، تنها اندکی از این افراد می‌توانند به زندگی عادی بازگردند و بخش عمده‌شان دوباره به همان کوچه‌ها، باتوق‌ها و بی‌پناهی همیشگی رانده می‌شوند؟

پژوهش جدید مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران نشان می‌دهد بحران معتادان بی‌خانمان نه مسئله‌ای مقطعی، بلکه نشانه‌ای از یک گسست ساختاری است؛ گسستی که تهران را سال‌ها در چرخه ناکارآمد جمع‌آوری، نگهداری اجباری و بازگشت دوباره به خیابان گرفتار کرده است. این گزارش با مقایسه تجربه کشورهای مختلف، پرسشی جدی را پیش‌روی مدیریت شهری می‌گذارد: آیا زمان عبور از الگوهای فرسوده نرسیده است؟

در میان هیاهوی تهران، در میان صدای بوق‌ها و ساختمان‌هایی که بی‌وقفه سر به آسمان می‌کشند، چهره دیگری از شهر پدیدار است؛ چهره‌ای خاموش و پنهان که هرچند بسیاری از شهروندان نگاه‌شان را از آن می‌گیرند، اما نمی‌توان انکار کرد که همه جا حضور دارد: چهره معتادان بی‌خانمان. انسان‌هایی که روزگاری بخشی از یک خانواده، عضوی از یک محله و صاحب رؤیایی برای آینده بودند، اما امروز در سایه پل‌ها، گوشه پارک‌ها، اتاقک‌های نیمه‌مخروبه و باتوق‌های تارکیر روزگار می‌گذرانند.

مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران به‌تازگی پژوهشی با عنوان «مطالعه تطبیقی حمایت‌های اجتماعی از معتادان بی‌خانمان در کشورهای مختلف و مقایسه آن با شهر تهران» منتشر کرده که تصویری دقیق از وضعیت تهران و تجربه جهانی ارائه می‌دهد تا روشن کند چرا این بحران در پایتخت همواره پابرجاست و چه راه‌هایی برای خروج از آن وجود دارد.

پژوهش از نقطه‌ای آغاز می‌شود که بسیاری از تحلیل‌ها آن را نادیده می‌گیرند: بی‌خانمانی در تهران نه پیامد صرف اعتیاد است و نه رفتاری فردی است که با جمع‌آوری و اجبار اصلاح شود. این پدیده حاصل ترکیبی از عوامل اجتماعی، اقتصادی و روان‌شناختی است؛ مجموعه‌ای از فشارها و نابرابری‌هایی که فرد را به حاشیه می‌رانند و او را از شبکه‌های حمایتی زندگی اجتماعی جدا می‌کنند. نویسنده گزارش می‌گوید تا زمانی که این مسئله با چنین نگاه چندلایه‌ای دیده نشود، سیاست‌گذاری در تهران فقط چرخه‌ای فرساینده را تکرار خواهد کرد؛ چرخه‌ای که با جمع‌آوری شروع می‌شود، با نگهداری کوتاه‌مدت ادامه می‌یابد و با بازگشت دوباره به خیابان پایان می‌گیرد.

در بخشی از گزارش، نگاه پژوهش از تهران به جهان معطوف می‌شود؛ جایی که سیاست‌های مقابله با اعتیاد و بی‌خانمانی در دو دهه اخیر دگرگون شده‌اند. کشورهایی مانند پرتغال، کانادا، هلند و اسپانیا سال‌هاست از سیاست‌های مجازات‌محور فاصله گرفته‌اند و به سمت مدل‌هایی رفته‌اند که «کرامت انسانی» را نقطه آغاز می‌دانند. پایه این رویکردها بر این اصل ساده استوار است که نمی‌توان از انسانی که حتی جای امنی برای خواب ندارد، انتظار ترک مواد داشت. نمی‌توان از فردی که در سرمای خیابان، در کرسکی و بی‌پناهی و تهدید دائمی زندگی می‌کند، خواست که صرفاً با اراده یا اجبار مسیر زندگی‌اش را تغییر دهد. تجربه جهانی نشان داده است که نخست باید نیازهای اولیه فرد تأمین شود؛ سپس می‌توان او را در مسیر درمان، بازتوانی و بازگشت به جامعه قرار داد.

مدل پرتغال، که یکی از موفق‌ترین نمونه‌های جهانی است، نشان می‌دهد چگونه حذف رویکرد کیفری و تمرکز بر کاهش آسیب موجب کاهش جرائم و افزایش دسترسی درمانی شد. در کانادا و هلند، مدل «اول اسکان» دگرگونی مهمی در سیاست‌های اجتماعی ایجاد کرد؛ مدلی که فرد را پیش از هر شرطی صاحب مسکن می‌کند و سپس درمان و بازتوانی را آغاز می‌کند. برخلاف تصور رایج، این مدل نه‌تنها به وابستگی بیشتر منجر نشده، بلکه احساس ثبات و امنیت باعث انگیزه بیشتر برای ترک و بازتوانی شده است. این گزارش همچنین به الگوهای دیگری اشاره می‌کند؛ از کلینیک‌های سیاری که به باتوق‌های دورافتاده می‌روند تا مراکز خدمات یکپارچه‌ای که تمام نیازهای فرد را در یک بسته ارائه می‌کنند؛ درمان، سلامت روان، مشاوره، حقوقی، مهارت‌آموزی و اشتغال. تجربه جهانی نشان می‌دهد همین یکپارچگی و پیوستگی حلقه‌ای است که تهران سال‌ها از آن بی‌بهره مانده است.

از آن بی‌بهره مانده است.

از آن بی‌بهره مانده است.

از آن بی‌بهره مانده است.

از آن بی‌بهره مانده است.

از آن بی‌بهره مانده است.

شرق: در مناظره اردیوبی «دور یک میز»، عضو شورای شهر تهران، علیرضا نادعلی و مهدی اقراریان، تصویری متفاوت از وضعیت مدیریت شهری ارائه دادند. نادعلی بر فنی و تخصصی‌بودن اختلافات شورا و تلاش‌های شهرداری در توسعه حمل‌ونقل عمومی و کاهش آلودگی هوا تأکید کرد، درحالی‌که اقراریان با نگاهی تحلیلی، فرست‌های ازدست‌رفته، تمرکز جریان‌های خاص و نقش ناگانی برقی‌سازی را عامل اصلی مشکلات کنونی تهران معرفی کرد. اختلاف دیدگاه‌ها، هم بازتابی از چالش‌های ساختاری مدیریت شهری و هم نمونه‌ای از تقابل روایت‌های رسانه‌ای درباره عملکرد شورا و شهرداری است.

علیرضا نادعلی، عضو شورای شهر تهران، به ماهیت اختلافات در شورا پرداخت و توضیح داد: بعضی اختلاف‌نظر‌ها کاملاً تخصصی و فنی است، مثلاً اولویت‌بندی‌ها در اداره شهر ممکن است متفاوت باشد؛ اما در مجموع تقریباً همه ما در شورا و حتی مدیریت شهری، اولویت‌ها را براساس برنامه توسعه، پیشرفت و تحول شهر مشخص کرده‌ایم؛ ازجمله توسعه ناوگان حمل‌ونقل عمومی و کاهش آلودگی هوا». نادعلی ادامه داد: شهرداری نیز در سه سال اخیر متناسب با همین سیاست‌ها روی مترو، اتوبوس و مسائل مشابه تمرکز کرده و طبیعی است که اولویت‌های دیگر در رتبه‌های بعدی باشند. پس در کلیت موضوع اختلافی وجود ندارد. اختلاف از جایی شروع می‌شود که به نحوه اجرای این اولویت‌ها می‌رسیم. او مثال زد: شهرداری درباره کاهش آلودگی هوا تأکید دارد که باید از مسیرهای مختلف به این هدف رسید، یکی از آنها برقر کردن ناوگان حمل‌ونقل است. برخی دوستان در شورا معتقدند تأثیر این اقدام در کاهش آلودگی هوا کمتر است. ما در سیاست‌گذاری برقی‌سازی را رد نکردیم، بلکه روی آن فشاری هم کرده‌ایم؛ اما درباره روش و نحوه اجرا اختلاف‌نظر داریم. نادعلی بخشی از اختلاف‌ها را نیز ناشی از عوامل غیرفنی دانست. گاهی اختلافات ناشی از ذهنیت‌های قبلی است. برخی کارها با تجربیات گذشته مقایسه می‌شود یا نسبت به امور جدید مقاومت ذهنی وجود دارد. همین‌ها در برخی موضوعات ایجاد اختلاف می‌کند» این عضو شورا با اشاره به اینکه این دیدگاه‌ها را به‌عنوان «یک عضو شورا» بیان می‌کند، نه سخنگوی شورا، گفت: در اجرای مصوبات نیز گاهی اختلاف وجود دارد؛ اینکه چرا برخی مصوبات تعطیل مانده یا چرا اجرای آنها کند است، موضوع نقد است. نادعلی در ادامه مناظره اردیوبی بر اولویت‌دادن شورا به توسعه حمل‌ونقل و معضله و نقش فرهنگی-اجتماعی کمیسیون‌ها تأکید کرد و گفت شهرداری در سه سال گذشته در چارچوب مصوبات شورا اقدام کرده است. اقراریان نیز پس از پیوستن به برنامه، با بیان نارضایتی شهروندان از وضعیت موجود خواستار شفافیت و مسئولی‌ایی شد. اقراریان هم درآین گفت‌وگو توضیح داد: ما امروز با شهری مواجه هستیم که محصول یک دوره مدیریتی نیست؛ سابقه تاریخی دارد و ابناش مشکلات در آن مشهود است. این شهر فاقد مدیریت یکپارچه است و بخشی از مشکلات اصلا در اختیار مدیریت شهری، نه شورا و نه شهرداری نیست.



فنی فرخ‌طهم‌فنی، مالک یک خانه غیرقانونی در تهران

در مقابل، تصویر تهران در آینه این پژوهش تصویری تکان‌دهنده است. شهری که همچنان به الگوی واحدی تکیه دارد: جمع‌آوری گسترده، انتقال به مراکز نگهداری، اعمال درمان‌های اجباری و رهایی ناگهانی. درآین‌میان آنچه هرگز شکل نگرفته، «زنجیره پیوسته حمایت» است؛ زنجیره‌ای که مطابق تجربه جهانی، مهم‌ترین عامل بازگشت فرد به زندگی عادی است. معتاد بی‌خانمان پس از خروج از مراکز درمانی نه مسکنی دارد، نه شغلی، نه مشاوره، نه پیگیری درمان و نه همراهی در مسیر بازتوانی. چنین فردی تقریباً محکوم است که دوباره در همان خیابانی بیدار شود که از آن جمع‌آوری شده بود. در ادامه، پژوهش سه مسیر پیش‌روی تهران را واکاوی می‌کند. نخست، الگوی سنتی «اول درمان» که فرد را مجبور به ترک پیش از دریافت خدمات می‌کند؛ رویکردی که نویسنده آن را غیرعلمی و بی‌نتیجه توصیف می‌کند. مسیر دوم، مدل «اول اسکان» است؛ مدلی انسانی و مؤثر که بدون پیوستگی خدمات و مدیریت پرونده، به‌تنهایی کافی نیست. مسیر سوم، الگوی «مدیریت مورد جامع» است؛ الگویی که در بسیاری از کشورها به موفقیت رسیده و تقریباً تمام حلقه‌های پشتیبانی را در کنار هم قرار می‌دهد. در این الگو، فرد هرگز تنها نمی‌ماند؛ یک مدیر در تمام مراحل کنار اوست، وضعیتش را پیگیری می‌کند، برای درمان همراهی‌اش می‌کند، برای اشتغال معرفی‌اش می‌کند و در لحظه‌های بحران کنارش می‌ماند تا از عود جلوگیری شود. این همان حلقه‌ای است که تهران به‌شدت به آن نیاز دارد.

اگر تهران می‌خواهد از دور باطل جمع‌آوری و رهاسازی عبور کند، باید به تجربه جهانی گوش فرا دهد و معتاد بی‌خانمان را نه مزاحم شهری، بلکه شهروندی آسیب‌دیده ببیند؛ انسانی که حق دارد در مسیر بازگشت به زندگی همراهی شود. نویسنده گزارش می‌پرسد تهران در نقطه تصمیم ایستاده است: آیا می‌خواهد همچنان ظاهر خیابان‌ها را پاک کند یا می‌خواهد زندگی انسان‌ها را ترمیم کند؟ جهان سال‌هاست انتخابش را کرده است: اسکان، مراقبت، حمایت، کاهش آسیب، توانمندسازی و بازگشت به جامعه. تهران نیز اگر می‌خواهد شهری انسانی‌تر و امن‌تر باشد، ناگزیر است به‌زودی این انتخاب را انجام دهد؛ نه‌تنها برای آتانی که در سایه‌ها زندگی می‌کنند، بلکه برای آینده خودش.

از آن بی‌بهره مانده است.

از آن بی‌بهره مانده است.

از آن بی‌بهره مانده است.

از آن بی‌بهره مانده است.

اختلافات شورای تهران؛ نگاه تخصصی یا کشمکش سیاسی؟

اقراریان سپس به طرح «نجات تهران» اشاره کرد و گفت: اینکه می‌گویم تهران در وضعیت بسیار بدی است و عنوان نجات تهران را مطرح می‌کنیم... ببینید، اولاً انصاف را همه‌مان محترم می‌دانیم، پیامبر اکرم (ص) شمشیری داشته که روی آن نوشته بود قل الحق ولو علی نفسك. اگر ما در همین جایگاه اجرایی قرار می‌گیریم، با شرایط اقتصادی، تحریم‌ها و نیاز مردم به امید، آیا همراهی می‌شنیدیم یا افرادی می‌آمدند و فضای عمومی را به سمت ناامیدی می‌بردند؟ او ادامه داد: اگر بخواهیم مشکلاتی مثل آلودگی هوا، کمبود ناوگان حمل‌ونقل و دیگر مسائل را مبنا قرار دهیم و بگویم تهران نیازمند نجات است، با همین منطق می‌توان گفت کشور هم در وضعیت بسیار بدی است. آیا ما روی‌مان می‌شود بگویم نجات ایران؟ جمهوری اسلامی با همه مشکلات، ما را به سمت قلعه‌ها نزدیک می‌کند و امیددان به مردم وظیفه مسئولان است. نادعلی در ادامه بحث، با اشاره به چهره بالای انتقادهای غیرمنصفانه در کنار نقدهای درست، تأکید کرد: وقتی انتقادهای غیرمنصفانه در کنار انتقادهای منصفانه زیاد می‌شود، ما مجبوریم برای اینکه ذهن مردم مخدوش نشود و بتوانند قضاوت درستی داشته باشند و امید در جامعه باقی بماند، نقاط مثبت را بیشتر مطرح کنیم. ما از خودمان چیزی در نمی‌آوریم، سعی کردیم همان واقعیت‌ها را بگویم. او افزود: ما وقتی این دوره آغاز شد و شهردار منتخب تهران آمد، ما معتقد بودیم یک فرصت تاریخی ایجاد شده. فرصتی که شاید آقای نادعلی هم به آن اذعان داشته باشد. آن فرصت تاریخی این بود که شورای ششم تشکیل شد و ۲۱ نفر از یک فهرست واحد وارد شورا شدند. این یک سرمایه و فرصت تاریخی بود. اقراریان ادامه داد: ما یک شورای ۲۱نفره داشتیم. یک مجلس همسوا از نظر سیاسی با این شورا داشتیم. مجلس گذشته کاملاً هم‌جهت با همین شورا بود. نکته مهم‌تر اینکه در راس مجلس شخصیتی قرار داشت که ۱۲ سال مدیریت پایتخت را تجربه کرده بود. از طرف دیگر، همراهی تاریخی دولت شهید رئیسی با آقای دکتر زاکانی وجود داشت؛ این را خود ایشان هم گفته است. آقای دکتر زاکانی در جلسات هیئت دولت حضور پیدا می‌کردند و حتی اعلام شد که از ایشان دعوت شده که در دولت حضور پیدا کنند، اما خودشان تصمیم گرفتند در شهرداری بمانند. او افزود: «وقتی شما دولت، شورا و مجلس همسوا داری، یک فرصت تاریخی به وجود می‌آید که یک اصلاح ریل‌ی اساسی انجام شود. اما این اتفاق نیفتاد». او ادامه داد: اختلافاتی که امروز در شورا به وجود آمد، محصول نگاهی است که برخی همکاران در شورا داشتند. دوستانی که نزدیک به آقای دکتر زاکانی بودند و فکر می‌کردند می‌توانند شورا را مدیریت کنند. این یک اتفاق است. اقراریان با اشاره به فاصله‌ای که میان شهردار و شورا ایجاد شد، گفت: به هر حال ما شهرداری داشتیم که روز رأی‌گیری ۱۸ رأی گرفت، اما امروز شما می‌بینید که یک به‌علاوه ۱۰ یا یک مثبت ۱ وجود دارد. حالا من آقای مهندس چمران را با وجود نکاتی که دیروز در صحن مطرح کردند و ناراحتی‌ای که داشتند، از این دایره خارج می‌کنم؛ چون ایشان شخصیت ملی هستند و الان ایشان را وارد بحث نمی‌کنم.

یادداشت

آب، صدایی که شنیده نمی‌شود

ملیحه مقصودی

دکترای شهرسازی ازدانشگاهتهران

مدت‌هاست از بحران آب سخن گفته می‌شود، اما بیشتر به اعداد و نمودارها پرداخته‌ایم تا به جریان واقعی زندگی. رودها که خشکیده‌اند، زمین‌ها که نشست کرده‌اند و مردمی که برای آب سفر می‌کنند، هنوز در پس آمارها دیده نمی‌شوند. شاید وقت آن رسیده باشد که به جای بررسی صرف آمار، دوباره به صدای آب گوش بسپاریم.

سال‌هاست از خشکی رودها و دریاچه‌ها می‌شنویم، از تالاب‌هایی که نفششان بریده و روستاهایی که خالی از سکنه شده‌اند. اما در میان تمام این هشدارها، چیزی عمیق‌تر جریان دارد: نوعی بی‌توجهی ساختاری، شبکه‌ای از منافع و تصمیم‌های تکراری که با هر دولت و هر وزیر تازه‌ای همچنان ادامه می‌یابد. گویی آب گرفتار چرخه‌ای شده که راه خروجی ندارد و هر بار فقط بحران‌ها بزرگ‌تر می‌شوند.

وقتی از «مافیای آب» سخن گفته می‌شود، منظور الزاماً گروهی تبهکار در سایه نیست. این اصطلاح نمایانگر ساختار است از پیمانکاران، مشاوران و سیاست‌گذاران که طی دهه‌ها بر مدار پروژه‌ها و منافع کوتاه‌مدت حرکت کرده‌اند. سدها ساخته شد، رودها مسیرشان را تغییر دادند و چاه‌های عمیق زمین را تهی کردند، اما هیچ‌کس ساختی نخدا که حاصل این همه تلاش چیست؛ آب کمتر شد، خاک نشست، مردم مهاجرت کردند و شهرها ناپایدارتر شدند.

مشکل اصلی اینجاست که در مدیریت منابع آب، صداهای واقعی شنیده نمی‌شوند. صدای کشاورزی که زمینش شور شده، صدای زن روستایی که کیلومترها برای آب راه می‌رود، صدای کارشناس محیط زیست که از خشکیدن تالاب‌ها هشدار می‌دهد، غالباً در هیاهوی اعداد و وعده‌های کوتاه‌مدت گم می‌شوند. تصمیم‌سازان بیشتر به گزارش‌ها و آمارها نگاه می‌کنند تا به حقیقت ملموس زمین و زندگی.

بحران آب تنها یک مسئله فنی نیست؛ بحران، انسانی است. ما از طبیعت جدا نیستیم و هر قطره آب با زندگی ما پیوند خورده است. آب آلوده در یک روستا دیر یا زود به زندگی شهری می‌رسد، همان‌طورکه خشکی تالاب هامون به باد و گردوغبار تهران ختم می‌شود. هر تصمیمی درباره آب، پیوند میان همه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد و نادیده‌گرفتن این پیوند، هزینه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی سنگینی بر جای می‌گذارد.

شاید وقت آن باشد که مفهوم «شنیدن» دوباره در مدیریت منابع معنا پیدا کند. شنیدن صدای زمین، رودخانه‌ها و مردمی که با این منابع زندگی می‌کنند، به اندازه هر فناوری و پروژه کلان مهم است. بی‌توجهی به این صداها باعث می‌شود حتی بهترین تصمیم‌ها هم بی‌ثمر باشند.

بحران آب، در واقع بحران گوش‌نکردن است؛ گوش‌نکردن به صداهای کارشناسان، به دانش در جهانی که به سرعت گرم‌تر و خشک‌تر می‌شود، نجات آب تنها با فناوری یا سرمایه امکان‌پذیر نیست، نیاز به بازگشت به فهم مشترک از زندگی و گوش‌سپردن واقعی به نیازهای طبیعت و انسان‌هاست. هر قطره آب، روایتگر پیوندی است که ما به زمین داریم. اگر به این صدا گوش ندهیم، روزی سکوتش ما را ر بیدار خواهد کرد و آن روز دیگر شاید دیر باشد. وظیفه ماست که قبل از آنکه خاموشی آب زندگی را تهدید کند، دوباره به جریان طبیعی گوش بسپاریم و تصمیم‌هایی بگیریم که پایدار و انسانی باشند. آب صدایی دارد که اگر نشنویم، دیر یا زود پیامدهایش ما را فرا خواهد گرفت؛ پیامدهایی که دیگر به آمار و نمودار خلاصه نمی‌شوند، بلکه زندگی و آینده ما را شکل می‌دهند.